

مانور نظامی آمریکادر عمان تهدید مستقیمی است علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

در این هفته مانور نظامی ارتش آمریکا در خاک عمان آغاز میشود. واحدهائی از «سپاه واکنش سریع» که در این مانورها شرکت خواهند داشت وارد خاک عمان شده اند. اجرای این مانورها بمدت دو ماه ادامه خواهد داشت. علاوه بر واحدهای «سپاه واکنش سریع» واحدهائی از نیروی دریایی و هوائی آمریکا که در منطقه خلیج فارس مستقر هستند در این مانورها شرکت خواهند داشت. با توجه به موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی عمان در این منطقه، انجام این مانور نظامی در خاک آن کشور در حقیقت عبارتست از تمرین و آزمایش عملیات نظامی با هدف پیاده کردن نیرو و اشغال نظامی در کشورهای منطقه است. پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در ایران

و نیز پیروزی انقلاب در افغانستان، امریالیسم آمریکا مسئله گروگانگیری در ایران رویداد های افغانستان را برای گسترش حضور نظامی و افزایش و تقویت پایگاههای نظامی دریائی و هوائی خود، در این منطقه مستمسک قرارداد وطنی دوسال اخیر بزرگترین نیروی هوائی و دریائی خود را در سراسر این منطقه یعنی اقیانوس هند، خلیج فارس و کشورهای مجاور با ایران مستقر نمود. علاوه بر این پایگاه های نظامی آمریکا در خاک آن کشورهای این منطقه که وابسته به آمریکا بودند گسترش یافت و پایگاههای نظامی جدیدی تاسیس گردید. تمام تاسیسات و پایگاه های نظامی مصر، عربستان سعودی، اردن و عمان در اختیار آمریکا قرار گرفت.

بقیه در صفحه ۴

نامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۱
دو هفته ۲ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۱۷ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریال

(درباره مصاحبه آقای نعمت زاده،
وزیر صنایع و معادن)

تأمین استقلال اقتصادی کشور تنها با ایجاد صنایع بزرگ و سنگین امکان پذیر است

سئوالاتی که در ارتباط با مصاحبه وزیر صنایع و معادن مطرح می شود

مصاحبه های آقای نعمت زاده وزیر صنایع و معادن، که متن آنها در روزنامه «اطلاعات» به تاریخ های ۱۶ و ۱۹ بهمن ماه چاپ شده، مصاحبه های مهمی است. اهمیت ویژه این مصاحبه ها در آنست که آقای نعمت زاده، با توضیح بیشتری نسبت به گذشته، پیرامون سیاست اقتصادی و هسته مرکزی آن، سیاست صنعتی کردن کشور، اظهار نظر می کند و به سئوالاتی که در این زمینه مطرح است، با صراحت بیشتری پاسخ می دهد.

عمده سئوالی که بویژه پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مطرح است و حتی می توان گفت که تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی ما تا حد زیادی به دادن پاسخ صحیح به این سئوال بسته است، اینست که: تکلیف صنایع مادر و سنگین، که شامل صنایع ذوب فلزات، ماشین سازی، نفت، پتروشیمی، انرژی و نظایر آن می گردد، چیست؟

بعلاوه، این سئوال مطرح است که: سیاست اقتصادی دولت انقلاب در امر تأمین استقلال اقتصادی و خود کفائی نسبی چیست؟ آیا صنعتی کردن به معنی واقعی کلمه یعنی پرداختن به ایجاد صنایع مادر و سنگین تولید کننده وسائل تولید مطرح است، یا اینکه توسعه صنایع کوچک و تولید کالاهای مصرفی، که در گذشته نیز موجبات وابستگی بیشتر اقتصاد ایران را بیخارج فراهم آورده، مورد توجه است؟

حزب توده ایران به مسئله مرکزی سیاست اقتصادی چگونه پاسخ می دهد؟

به سئوال فوق، حزب توده ایران پاسخ صریح و روشن داده است. حزب ما، از همان اوان تشکیل خود، با منکس ساختن خواست مردم ایران، به طرح این مسئله اساسی پرداخته است که، تأمین استقلال اقتصادی ایران و پالما ل تقصین و تحکیم استقلال سیاسی کشور، در گرو ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشین سازی و پرداختن به تولید وسائل تولید در داخل کشور است.

تحت فشار مبارزات مردم و نیروهای انقلابی، از جمله حزب توده ایران، علیه سیاست اقتصادی رژیم پهلوی در ربع قرن گذشته بود که، بهر حال، رژیم پهلوی، از اواسط سالهای ۱۳۴۰، به برخی سرمایه گذاریها در ایجاد صنایع سنگین و ماشین سازی، تن در داد. چنانکه می دانیم، در ایجاد این صنایع فقط کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی بودند، که به ایران کمک کردند.

لیکن رژیم منحل گذشته، بعلت وابستگی که به دول امپریالیستی، بویژه امریالیسم آمریکا داشت، تن به اجرای سیاست واقعی ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشین سازی نداد. رژیم پهلوی بویژه از تعقیب هدف تولید وسائل تولید در داخل کشور، با وجود امکانات عظیم مالی که در اختیار داشت، طفره رفت. سیاست اقتصادی رژیم شاه همان سیاست وابستگی اقتصادی، در تمام ابعاد آن، باقی ماند. در نتیجه، برنامه های ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشین سازی یا نیم کاره ماند - مانند ذوب آهن اصفهان و ماشین سازی اراک و تبریز - یا به اجرا در نیامد. طرح های ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشین سازی در اسفراین و کرمان - و یا تغییر جهت داد و بصورت صنایع موتاژ درآمد - مانند تراکتور سازی تبریز.

پس از کمک فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی در اواسط دهه ۱۳۴۰ برای ایجاد صنایع ذوب آهن و ماشین سازی در ایران، دول امپریالیستی نیز مجبور به تغییر سیاست اقتصادی خود در مورد ایران شدند. از این اجبار می شد برای توسعه صنایع سنگین و ماشین سازی در ایران استفاده کرد، لیکن رژیم وابسته درست بکس عمل کرد. رژیم وابسته با باز گذاشتن دست دول امپریالیستی در تعیین سیاست های اقتصادی در ایران، اصل ایجاد صنایع سنگین و ماشین سازی، یعنی اصل تولید وسائل تولید در داخل کشور را مسخ نمود و سیاست صنعتی کردن کاذب و سیاست موتاژ و تولید کالاهای مصرفی لوکس را جانشین آن کرد.

صنعتی نشدن کشور، یکی از انگیزه های اساسی انقلاب بود

یکی از انگیزه های عظیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، اعتراض به سیاست اقتصادی رژیم دست نشانده محمد رضای خائن بود. مردم ایران، بویژه پس از افزایش چشمی درآمد های نفت، می خواستند سیاست صنعتی کردن کشور به معنی واقعی کلمه به اجرا در آید. ولی رژیم سرسپرده پهلوی علنا از اختصاص درآمد های نفت به اینکار امتناع داشت، و برعکس این درآمد ها را به خرید های سنگین نظامی و کالاهای مصرفی لوکس و سرمایه گذاری در صنایع نفتی در صفحه ۴

پیام شادباش

کمیته مرکزی حزب توده ایران
به نمایندگان بیست و ششمین کنگره
حزب کمونیست اتحاد شوروی

تظاهرات دانشجویان عراقی
و دانشجویان توده ای
علیه رژیم صدام حسین در لندن

توسط چاقو کشان عراقی، سکوت کرد.

در تاریخ ۲ اسفندماه ۵۹، یورش چند تن از دانشجویان تظاهراتی در اعتراض به سیاست اختناق و تجاوز رژیم جنایتکار صدام حسین در مقابل سفارت عراق در لندن برگزار شد، که در آن دانشجویان عراقی و هواداران حزب کمونیست عراق و نیز دانشجویان هوادار حزب توده ایران شرکت کردند. تظاهرات در کمال نظم و آرامش برگزار شد. در این هنگام تعدادی عراقی با چاقو از سفارت عراق خارج شدند و به تظاهر کنندگان حمله کردند. در این

یورش چند تن از دانشجویان تظاهر کننده مجروح شدند. علیرغم شکایت مکرر تظاهر کنندگان به پلیس لندن، پلیس اعلام کرد که مهاجمین مصونیت دارند و کاری از دست پلیس ساخته نیست!

این اقدام پلیس لندن، که حمایت آشکار از عمل اوباشانه نمایندگان صدام حسین بود، مورد اعتراض شدید تظاهر کنندگان قرار گرفت و طی اعلامیه ای محکوم شد.

جنوب، با ایجاد میدا دین مین موفق شدند یک نفر بر دشمن را منهدم و شش نفر از نیروهای دشمن را به هلاکت برسانند و تعدادی را نیز مجروح کنند. روز گذشته شهر آبادان و سوسنگرد زیر آتش توپخانه و خمپاره اندازهای نیروهای ارتش عراق قرار داشت که متقابلا نیروهای خودی مواضع نیروی دشمن را زیر آتش شدید توپخانه و سلاحهای سنگین قرار دادند. از تلفات و کشته های

در صفحات بعد

مذاکره داریم تا مذاکره

پروتکل مذاکرات محرمانه دولت موقت با بورژینسکی را منتشر کنید

صفحه ۲

صفحه دهقانی ویژه هیئت های انقزی

کارخانه ها باید از وجود ضد انقلاب کارگر نما پاکسازی شوند

صفحه ۴

هشدار به مسئولین جمهوری اسلامی ایران:
پاره های از مسئولین سازمان گسترش و توسعه با انقلاب سر آشتی ندارند

بر اساس اطلاعیه ۶۱۲ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران:

قسمتی از مواضع عراق در غرب خونین شهر منهدم شد

رزمندگان انقلاب در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، ضربات جدیدی بر آنان وارد آوردند. در اطلاعیه شماره ۶۱۲ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، درباره عملیات رزمندگان مسلح انقلاب از جمله آمده است:

در اکثر جبهه های غرب تبادل آتش توپخانه و سلاحهای سنگین بین نیروهای خودی و نیروهای دشمن وجود داشت و شدت آتش

در جبهه های میمک بیشتر بوده است. بر اثر آتش رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در یکی از این جبهه ها یک تانک دشمن منهدم و به یک تانک دیگر آسیبی کلی وارد شد و در جبهه دیگری یک انبار مهمات نیروهای عراقی به آتش کشیده و منهدم شد. جانبازان نیروی مخصوص نیروی زمینی، در ساعت ۱۴ روز سیام بهمن، در یکی از جبهه های

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، و متحدان آنها

تأمین استقلال اقتصادی کشور...

بقیه از صفحه ۱

موتاز و خطوط ارتباطی و مواصلاتی، که بسود امپریالیستها و بازار جهانی امپریالیستی بود، اختصاص داد. طبیعی است که در برابر چنین رژیمی، چاره منحصر بفرد این بود که آن رژیم سرنگون گردد و با پیروزی انقلاب، رژیم روی کار آید که ضمن توجه به مسائل دیگر، مسئله اساسی ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشینسازی، یعنی پرداختن به تولید وسائل تولید در داخل کشور را مسئله مرکزی سیاست اقتصادی خود قرار دهد. انقلاب پیروزمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به محروم داشتن ایران از اجرای سیاست مستقل صنعتی کردن کشور، که ایجاد صنایع سنگین و ماشینسازی هسته مرکزی آن را تشکیل میدهد، پایان داد. پیروزی انقلاب، با برخوردار ساختن دولت انقلاب از استقلال سیاسی، به آن امکان میدهد که سیاست اقتصادی مبتنی بر تولید وسائل تولید در داخل کشور و صنعتی کردن اقتصاد ایران به معنی واقعی کلمه را به اجرا بگذارد.

همه مطالبی که به آنها اشاره کردیم، روشن و، به یک معنی، توضیح واضح است. یعنی اینکه مردم آگاه و انقلابی ایران به درستی می دانند که، اولاً یکی از سیاست های امپریالیستی گذشته جلوگیری از ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشینسازی در ایران بوده، که به وابستگی اقتصادی و از دست رفتن استقلال سیاسی انجامیده است. ثانیاً، پس از پیروزی انقلاب، مسئله اساسی و مرکزی سیاست اقتصادی دولت باید متوجه احیاء و توسعه سریع صنایع سنگین مادر و ماشینسازی و اجرای سیاست اقتصادی تولید وسائل تولید در داخل کشور باشد، تا هر چه سریعتر استقلال سیاسی، که در جریان انقلاب تحصیل شده، بر پایه استقلال اقتصادی، تحکیم گردد و پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران و نیل به هدفهای عالی آن تأمین و تضمین شود. بویژه باید خاطر نشان ساخت که، در بررسی اوضاع گذشته، مردم ایران پیبوجوه عقیده ندارند که اقدام به سرمایه گذاری - هر چند محدود - در صنایع سنگین مادر و ماشینسازی، کار نادرستی بوده است. بعکس، عقیده مردم اینست که، آن رژیم، بعزت وابستگی و سرسپردگی، در این امر مهم خیانت کرده، و از ایجاد و توسعه صنایع سنگین و ماشینسازی، چنانکه باید و شاید و چنانکه امکانات مالی ایران اجازه میداده، بدستور دول امپریالیستی و بخاطر تأمین منافع آنان و سرمایه داری وابسته، خودداری کرده است.

ارزیابی وزیر صنایع و معادن از سیاست صنعتی کردن درگذشته

با چنین توضیحاتی، وقتی آقای نعمت زاده، وزیر صنایع و معادن، در مصاحبه خود، بطور کلی سرمایه گذاری در ایجاد صنایع و معادن را در گذشته مردود می شمارد و وجود صنایع سنگین مادرو ماشینسازی را باری بردوش دولت انقلاب می داند و اظهار می دارد:

«بهر حال ما اینها را به ارث برده ایم. اگر خودمان می خواستیم برنامه ریزی کنیم، یقیناً بجای این کار، از جانی شروع می کردیم که تکنولوژی اش برایمان آشنا بود. از کوچک شروع می کردیم و بتدریج خودمان را کاملتر و مدون تر می کردیم» موجب تأسف و تعجب است. این برخورد نشان میدهد که مسئله مرکزی سیاست اقتصادی، که تأمین استقلال اقتصادی کشور در گرو اجرای آنست، مناسفانه برای مسئولین ناشناخته است. بعلاوه اصولاً استنتاجات آقای نعمت زاده از سیاست اقتصادی رژیم گذشته اشتباه آمیز و حتی عملاً تیره کننده آنست.

چنانکه گفتیم، در زمینه سیاست اقتصادی، خیانت رژیم شاه و سرمایه داری وابسته آن بود که، به ایجاد واقعی صنایع سنگین و مادر نپرداخت، از استفاده از امکانات بین المللی و داخلی (درآمدهای عظیم نفت) امتناع کرد و جز مبلغ ناچیز در صنایع سنگین سرمایه گذاری نکرد. ولی ادعای آقای نعمت زاده، وزیر صنایع و معادن، اینست که:

«رژیم گذشته تلاش وسیعی برای پایه گذاری صنایع سنگین و مادر داشت... و در گذشته این حالت بلند پروازانه بوده.

درست بعکس این ادعا، رژیم ننگین پهلوی پدر و پسر، تا آنجا که در توان داشتند، بدستور دول امپریالیستی، با ایجاد صنایع سنگین و مادر در کشور ما مخالفت کردند. آنچه در این زمینه ها صورت گرفت - که کار بسیار اندکی است - علیرغم میل آنان و در نتیجه مبارزه مردم و نیروهای انقلابی و خواستهای عینی رشد اقتصادی در خود کشور بود. در مدت ربع قرن تسلط رژیم کودتا بر ایران، کشورهای زیادی در جهان از وضع کشور دارای تولید عقب مانده کشاورزی خارج شدند، به صورت کشور دارای صنایع سنگین و مادر درآمدند و، به معنی واقعی کلمه، صاحب اقتصاد مستقل صنعتی - کشاورزی شدند. این کشورها حتی فاقد درآمد نفت و امکانات مشابه آن در ایران بودند. لیکن کشور ما همچنان در عقب ماندگی کامل باقی نگاه داشته شد و با وجود دارا بودن صدها میلیارد دلار درآمد نفت، جز چند واحد صنعتی نیمه تمام، مانند ذوب آهن و ماشین سازی، که آن نیز به بزرکت کسکهای فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی ایجاد شد، صنعت مادر و سنگین دیگری در ایران ایجاد نشد. چگونه می توان سیاست آگاهانه جلوگیری از رشد صنایع سنگین و مادر را، که رژیم گذشته، بدستور امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، به اجرا گذاشت، تا کشور ما را در عقب ماندگی و وابستگی کامل نگاه دارد، «تلاش وسیع برای پایه گذاری صنایع سنگین و مادر...» نامید، این سئوالی است که آقای نعمت زاده باید آن را روشن کند.

وزیر صنایع و معادن پرداختن به صنایع کلیدی را هسته مرکزی سیاست اقتصادی تلقی نمی کند

لیکن تنها در ارزیابی گذشته نیست که سخنان وزیر صنایع و معادن، در زمینه ارزیابی از سیاست اقتصادی، ایجاد نگرانی و تعجب می کند. در آنچه که مربوط به وظایف کنونی وزارتخانه ای نظیر صنایع و معادن است، نیز اظهارات آقای نعمت زاده جای حرف بسیار باقی می گذارد.

قبل از همه اینکه، ایشان سرمایه گذاری در صنایع سنگین و مادر را «سریز» تلقی می کنند و اظهار می دارند که بهر جهت «چاره ای جز تکمیل شان نداریم...» اگر به قسمت قبلی صحبت ایشان، که می گویند: «اگر ما بودیم، از کوچک شروع می کردیم» (و ما قبلاً به آن اشاره کردیم)، برگردیم، اینطور تداعی بذهن می شود که، اصولاً وزیر صنایع و معادن به مسئله پرداختن به صنایع بزرگ و سنگین، بعنوان هسته مرکزی سیاست دولت انقلاب اعتقادی ندارد. بنظر ایشان نه به صنایع سنگین و مادر، که به صنایع کوچک باید پرداخت، آنهم در کشور و در شرایطی که به اعتراف خود ایشان - تنها در یک واحد صنعتی نظیر تراکتورسازی تبریز، «یک ریخته گری ۷۰ هزار تنی و نیمه کاره داریم، که اگر راه بیافتد، هم می تواند موتور تراکتور بسازد و هم موتور بعضی اتومبیل های سواری را...»

در اینجا باید گفت که، وزیر صنایع و معادن، در حالیکه به عظیم بودن اقتصاد صنعتی ایران در شرایط حاضر اعتراف می کند و متذکر می شود که: «صنعت ما مجموعه ای است از نظر سرمایه گذاری بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان، حدود بیش از دو میلیون نفر جمعیت و نزدیک به ۴۰ هزار مدیر»، در همان حال متأسفانه کلید اداره درست این صنایع را بدست نیآورده است. وزیر صنایع و معادن، بجای آنکه از «تعلقت» صنایع کنونی ایران بدرستی چنین نتیجه گیری کند که، باید به جلو حرکت کرد و با تکیه بر ایجاد صنایع سنگین و مادر و در اولویت قراردادن پیشرفت سریع آن، موجبات تأمین استقلال اقتصادی را هر چه زودتر فراهم آورد، در برابر این باصطلاح مشکل، بعزت «صلاحت خاص» آن، جاخالی می کند و با این اظهار که: «بنابراین تغییر این نظام بزرگ پیچیده در کوتاه مدت خیلی مشکل است. صلاحت خاصی ندارد...» به صنایع کوچک رو می آورد! وی مدیران صنایع بزرگ را بحال خود می گذارد و به آنها چنین خطاب می کند:

«توصیه ما در شرایط فعلی به مدیران مان اینست که... تا آنجا که می توانید، صرفه جویی نکنند...» و «ببینند اگر دروازه های مملکت صد درصد بسته باشد، چه می توانند بکنند، تا بتوانند روی پای خودشان بایستند».

چنانکه دیده میشود، از جانب آقای نعمت زاده، عملاً حکم متوقف ساختن صنایع بزرگ به مدیران توصیه شده است، زیرا وقتی دروازه های مملکت روی صنایع بزرگی، که محققاً احتیاج به تکنولوژی دارند، «مصدوم» بسته باشد، آنها چه می توانند بکنند جز اینکه این صنایع را متوقف سازند و حکم نابودی این صنایع را صادر کنند؟!!

بدینسان، گرچه جای تأسف و تعجب فراوان دارد، اما دیده می شود که وزیر صنایع و معادن، که درست وظیفه وی تأمین پیشرفت سریع صنعت در ایران پس از انقلاب، آنهم با بذل توجه عمده به پیشرفت صنایع سنگین و مادر است، با مصاحبه های خود، عملاً دستور توقف این صنایع را صادر می کند و توجه به صنایع کوچک را مسئله اساسی قلمداد می نماید.

صنایع کوچک، چنانکه می دانیم، در حیطه فعالیت بخش خصوصی است و صنایع بزرگ در حیطه فعالیت بخش دولتی.

مانور نظامی آمریکا...

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم آمریکا در عمان، سوماتالی و کنیا پایگاه های نظامی هوایی و دریایی جدیدی تأسیس نموده، طبق نقشه های وزارت امور خارجه و وزارت دفاع آمریکا مسئله تشکیل پیمان نظامی از کشورهای این منطقه مطرح گردید و همکاری های نظامی میان رژیم های ضد خلقی و وابسته مانند عربستان سعودی، اردن، عمان، مصر و پاکستان گسترش یافت. طبیعی است که همه این اقدامات سیاسی و نظامی تهدید مستقیمی است علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری و یکی از عمده ترین هدف های آن جلوگیری از رشد و گسترش جنبش های رهایی بخش خلقها در این منطقه است. با توجه به اظهارات مقامات رسمی آمریکا در مورد سیاست خارجی و استراتژی سیاسی - نظامی آمریکا مانور نظامی آمریکا در عمان پدیده خطرناک و جدیدی است که می تواند پدید آمدن های یک درگیری مسلحانه گسترده در این منطقه را در بر داشته باشد. کارتی رئیس جمهور پیشین آمریکا دکترین جدیدی را در سیاست خارجی آمریکا اعلام نمود که بموجب آن بسیاری از مناطق جهان بویژه آن مناطقی که از لحاظ منابع انرژی و یا موقعیت استراتژیکی اهمیت دارند در حریم امنیت منافع آمریکا بشمار می روند، و در صورتیکه خطری این «حریم امنیت» منافع

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسعه سریع بخش دولتی را مقرر میدارد. و برای بخش خصوصی، در نظام اقتصادی پس از انقلاب، نقش گفکنی و فرعی قائل است. لیکن، چنانکه از مصاحبه وزیر صنایع و معادن مستفاد می شود، ایشان توجه به صنایع کوچک، یعنی به بخش خصوصی را در اولویت قرار می دهند و در این زمینه توصیه های جالبی هم ارائه می دهند. از جمله آنکه، ایشان اقدام ستاد بسیج اقتصادی را برای تأمین مواد اولیه کارخانجات، کار درستی نمیدانند و معتقدند که در این کار باید «دولت تنها چینه نظارت داشته باشد» و «کارگاه های کوچک... مواد اولیه مورد نیازشان را وارد و مستقیماً بین تولید کنندگان آن رشته توزیع کنند» که همه همه به معنی حمایت یک جانبه از بخش خصوصی به زیان بخش دولتی است.

آنجا که مسئله صنایع بزرگ سنگین و مادر، یعنی صنایع دولتی مطرح است، آقای وزیر صنایع و معادن به مدیران توصیه «صرفه جویی» می کند و می گوید که مدیران کار خودشان را بر این اساس که «دروازه های مملکت صد درصد بسته باشد»، تنظیم کنند. اما آنجا که پای بخش خصوصی در میان است، ایشان آزادی کامل برای واردات این بخش از خارج را خواستار میشوند و حتی دخالت ستاد بسیج اقتصادی را در تأمین مواد اولیه کارخانجات، غیر ضرور و کار نادرستی می شمارند! آیا چنین برخوردی تعجب آور و تأسف انگیز نیست؟!!

تأمین استقلال اقتصادی کشور، تنها با ایجاد صنایع بزرگ و سنگین امکان پذیر است

متوقف نگاه داشتن احیاء و توسعه صنایع بزرگ و سنگین و مادر در دوران پس از پیروزی انقلاب، عامل اصلی کاهش تولید داخلی، تشدید بیکاری و نقصان درآمد ملی است. دول امپریالیستی هم با محاصره اقتصادی و امتناع از فروش تکنولوژی به ایران، قصد تخریب و انهدام صنایع ملی ما را دارند. ولی از این نباید نتیجه گرفت که پس صنایع بزرگ و سنگین پدر ما نمی خورد و باید به صنایع کوچک رو آوریم، زیرا اولاً تأمین استقلال اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تنها و تنها براساس رشد و توسعه همه جانبه صنایع بزرگ و سنگین و مادر - که بنا به اعتراف وزیر صنایع و معادن امکانات زیادی هم برای پیشرفت آن در اختیار داریم - امکان پذیر است. ثانیاً رشد صنایع کوچک، بدون داشتن صنایع بزرگ و سنگین و مادر - چنانکه تجربه گذشته نشان میدهد - جز عقب ماندگی و وابستگی نتیجه دیگری نداشته و نخواهد داشت. ثالثاً تکنولوژی را میتوان و باید، از هر کشوری که به استقلال و حاکمیت ما احترام بگذارد و مناسبات برابر حقوق برقرار کند، بدست آورد. در شرایط کنونی جهان چنین کاری ممکن است.

ما امیدواریم که مقامات مسئول کشور، و قبل از همه و بیش از همه وزارت صنایع و معادن، به مسئله گری هر مرحله کنونی رشد اقتصادی جامعه و یکی از مسائل اساسی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، یعنی تأمین رشد سریع و همه جانبه صنایع بزرگ و سنگین و مادر توجه جدی و اساسی مبذول دارند و با اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه، قاطعانه در راه تأمین استقلال اقتصادی ایران و تضمین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب گام بردارند.

تدارکات جنگی و توطئه های...

نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، رژیم های ضد خلقی و وابسته به آن در این منطقه از نخستین روز پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران از هیچگونه کوشش و تلاشی برای تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی ایران فروگذار نکرده و هر روز طرح توطئه تازه ای را علیه کشور ما بعمر اجرا می گذارند.

حفظ دستاوردهای انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی ایران در برابر نقشه های تجاوزگرانه توطئه های امپریالیستی ایجاد میکند که جمهوری اسلامی ایران همبستگی و همکاری های همه جانبه خود را با کشورهای مستقل ضد امپریالیست و نیروهای ترقیخواه در منطقه، هر چه بیشتر گسترش دهد.

تدارکات جنگی و توطئه های نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، رژیم های ضد خلقی و وابسته به آن در این منطقه از نخستین روز پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران از هیچگونه کوشش و تلاشی برای تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی ایران فروگذار نکرده و هر روز طرح توطئه تازه ای را علیه کشور ما بعمر اجرا می گذارند.

مانور نظامی ارتش آمریکا در عمان که ادامه تدارکات جنگی گسترده ایالات متحده آمریکا در این منطقه است اقدام تحریک آمیز جدیدی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی این منطقه است. امپریالیسم آمریکا علاوه بر

تجارت در آن، ده ساله... از

مذاکره داریم تا مذاکره

پروتکل مذاکرات محرمانه دولت موقت با رژیم ناسیونالیست را منتشر کنید!

سفینه اشیا شده

و اما در مورد نحوه تیرتیر جوی لیبیرالها، که استدلال میکنند: چون بطور کلی هر نوع ملاقات و مذاکره با دشمن يك ذنب لا یفرغ نیست، پس مذاکره محرمانه با رژیم ناسیونالیست نیز مجاز بوده و قابل ایراد نیست و توده ایها و دیگران بی جهت با این مذاکرات مخالفت کرده اند، باید گفت که این استدلال جز يك ریاکاری بازاری چیز دیگری نیست. و ما قریب یکسال پیش، در بحثی در همین مورد با لیبیرالها، در مقاله ای زیر عنوان «مذاکره داریم تا مذاکره»، آنرا فاش ساخته ایم. قطعاتی از همین مقاله را بازگو کنیم، تا بیشتر معلوم شود که لیبیرالها عمداً خود را «بکوجه علی چپ» میزنند و، آگاهانه و نه از روی جهالت، برای استتار غرض خود، به خلط میبردند.

در آن مقاله (که در شماره ۹ اسفند سال گذشته، در نامه «مردم» انتشار یافته) از جمله چنین می خوانیم:

«میگویند: چون مذاکره بخودی خود عیبی ندارد و «اصل مذاکره» را هیچکس نمی تواند رد کند، پس آن مذاکرات نیز قابل ایراد نیست. (در اینجا سخن از مذاکرات محرمانه است که نمایندگان «نهضت آزادی» با مقامات رسمی و غیررسمی آمریکائی قبل از انقلاب انجام می دادند) اینان با تکیه بر يك اصل کلی درست، يك نتیجه مشخصی غلط میگیرند. این سفینه اشیا شده است.»

«اصل مذاکره را در واقع هم کسی نمی تواند رد کند. ولی مذاکره داریم تا مذاکره. مذاکره در چه شرایطی، مذاکره از جانب چه کسی یا چه کسی، مذاکره بر مبنای کدام موضوعگیری، مذاکره برای رسیدن به کدام هدف؟ اینها را باید مشخص کرد و سپس نتیجه گرفت که: آیا مذاکره مفید است یا زیان بخش؛ مذاکره از موضع انقلابی است یا از موضع سازش با دشمن انقلاب؛ مذاکره برای رسیدن به هدف انقلاب است یا رسیدن به مصالحه ای برای ترمز کردن انقلاب و حفظ مواضع قابل حفظ دشمن انقلاب.»

«برای توجیه این مذاکرات (محرمانه یا مقامات آمریکائی) نمایندگان خط «گام بگام» مثال می آورند و می گویند:

«سران نهضت آزادی بخش الجزایر، وقتی فرانسه را در میدان مبارزه مسلحانه به بن بست کشاندند، راه حل قطعی، یعنی پایان سلطه استعماری فرانسه را بر الجزایر از پشت میز مذاکرات در اوپان، یعنی در خاک فرانسه با استعمارگران تنظیم کردند.»

«این قیاس مع الفارق است. سران نهضت آزادی بخش الجزایر اولاً مذاکره را وقتی شروع کردند که «فرانسه را در میدان مبارزه مسلحانه به بن بست کشانده بودند» و نه در زمانی که هنوز سرنوشت جنگ نامعلوم و فرانسه امیدوار به ابقاء سلطه استعماری خود از طریق مصالحه بود. ثانیاً این مذاکرات را از موضع قاطع انقلاب پیروزمند انجام دادند. ثالثاً هدف از مذاکرات، تنظیم نحوه خروج نیروهای مسلح فرانسوی و برچیدن سفره استعمار و استعمارگران از الجزایر بود. این مذاکرات، که فرانسه اجباراً به انجام آن تن درداد، چنانکه میدانیم و معلوم است، منجر به پاکسازی خاک الجزایر از وجود نیروهای مسلح استعماری فرانسه، منجر به خروج فرانسویان استعمارگر از الجزایر گردید. استقلال الجزایر که با جنگ ضد استعماری آزادی بخش الجزایر تعیین شده بود، بوسیله این مذاکرات و اسنادی که در آن با امضاء طرفین رسید، قوت قانونی یافت.»

«این مذاکرات چه ربطی دارد به مذاکرات «محرمانه» نمایندگان بورژوازی لیبیرال ایران یا پیروان خط گام بگام با نمایندگان آمریکا، که هدفش در مراحل مختلف، شکایت از خشونت «اعلیحضرت»، وادار کردن «معتزله» به رعایت قانون اساسی، توفیق سلطنت به ولیعهد یا شورای سلطنتی و بالاخره حفظ رژیم منهای شاه یا

روزنامه خوانائی که ضمناً روزنامه «میزان» (ارگان مطبوعاتی لیبیرالها) رانیز میخورد، میدانند که این روزنامه، پس از حل شدن مسئله «گروگانها»، زیر عنوان «آزادی گروگانها» به نشر مقالاتی مفصل پرداخته، (حیف کاغذ) با دو هدف مشخص: یکی تخطئه نحوه حل مسئله «گروگانها» و بدین وسیله، بیخواب خود، تصحیف دولت جمهوری اسلامی ایران، و یکی تیرتیر سیاست و عملکرد «دولت موقت» و بدین وسیله، بیخواب خود، باز کردن راه برای بروی کار آمدن مجدد لیبیرالها، یعنی همان دولت «عاقل و معتدل و میانه روی»، که رهبران و شرکاء در انتظار تجدید حیات آن تیرتیر اند و ساگر دقیق تر بگوئیم - برای تجدید حیات آن فعالیت میکنند!

ما نیازی نمی بینیم که این رشته مقالات را جداگانه حلای کنیم (حیف وقت). ولی بیجا نمیدانیم که شماره دوازدهم این رشته مقالات را مورد بررسی قرار دهیم، تا یکبار دیگر نشان دهیم که این لیبیرالهای «ترسو»، ترسو هستند و این مدعیان «صداقت»، مزورند و خط سیاسی آنها همان «خط رژیم ناسیونالیست» است.

انتخاب مقاله دوازدهم این رشته مقالات، از اینجهت است که در آن، مسئله مهم مذاکرات هیئت سفیری دولت موقت (بازرگان - یزدی - چمران) با رژیم ناسیونالیست (در الجزایر) مطرح شده و لیبیرالها سخت در تلاش و کوششند، تا با این استدلال که «دفعه مذاکره قابل ایراد نیست و مذاکره با دشمن نیز «حرام» نیست، میخوانند مذاکره محرمانه با رژیم ناسیونالیست را امری عادی و حتی به «صلاح ملت و انقلاب» جابزند و، از آن بالاتر، حتی خود را نوعی «ضد امریکائی» معرفی کنند. والا همه مقالات این رشته مقالات، تلافی است برای نقد کردن سکه تقلبی سیاست و عملکرد «دولت موقت» لیبیرالها، که از شرکت در انقلاب «شیمان» بودند و هستند. «سه سه بار نه بار غلط کرده بودند»، که در انقلاب شرکت کرده اند؛ فغان برمی آورند که آقا هم ماشاءالله ما را کلافه کرده است؛ معتقد بودند و هستند که «چون وابسته بوده ایم بناچار باید وابسته بمانیم»؛ استقلال را اصولاً ناممكن میدانند، همه کشورهای جهان را وابسته و زیر سلطه معرفی میکنند، تا «وابستگی و زیر سلطه» قرار گرفتن ایران را امری ناگزیر و طبیعی وانمود سازند؛ کوشیده و میکوشند که مانع برقراری مناسبات حسنه با کشورهای جبهه ضد امپریالیستی (از جمله و بویژه اتحاد شوروی) - حامیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - گردند، تا راه برقراری مناسبات «وابستگی و زیر سلطه» را با کشورهای امپریالیستی (از جمله و بویژه آمریکا) بکشایند والی آخر.

در مقاله دوازدهم این رشته مقالات، که به تیرتیر انجام مذاکرات محرمانه با رژیم ناسیونالیست اختصاص یافته (که نمونه وار است)، نویسنده ابتدا سعی کرده است امر واضحی را «توضیح» دهد که «نفسی مذاکره» قابل ایراد نیست، تا سپس «اثبات» کند که، مذاکره محرمانه با رژیم ناسیونالیست نیز نمی تواند قابل انتقاد باشد.

می نویسد: «میگویند که نفس ملاقات با رژیم ناسیونالیست حرام بوده است»، و بدنبال این نسبت دروغ به افرادی مجهول، ریاکارانه سؤال میکند: «اولاً بر اساس معیارهای مکتبی، آیا چنین ملاقاتهایی متنوع است؟ آیا پیامبر و امامان ما با خصم و رهبران خصم ملاقات و مذاکره نمی کرده اند؟ آیا آنها خود به ملاقات خصم نمی رفتند و یا اگر آنها بیدارشان می آمدند، آنها را نمی پذیرفته اند؟»

ظاهراً این پرسشها خطاب به روحانیون مبارز پیرو خط امام، عنوان شده، تا چنین وانمود شود که گویا آنها با هرگونه مذاکره مخالف بوده اند، که نادرست است و «مکتبی» نیست.

اما از آنجا که می ریاکار باید باز شود، در همان مقاله، در جای دیگر و به منظور دیگری، سخنان آیت الله دکتر سید محمد بهشتی نقل شده در پاسخ به این سؤال موزیانه که: «آیا این صحت دارد که شما با هوپوزر آمریکائی تماس داشته اید؟»

آیت الله دکتر سید محمد بهشتی، ضمن تکذیب این «تماس»، اعلام مخالفت میکند با ارتباط و مذاکراتی که «جنبه تبانی و سازش با آنها (شرق و غرب) داشته باشد»، و می افزاید: «اما اگر آنها بخواهند با ما ارتباط بگیرند

«مشروطیت بدون شاه» بوده است. «... نمایندگان خط «گام بگام» مثال می آورند و می گویند:

«وقتی آمریکا می خواهد خودش را از مهرکه جنگ ویتنام خلاص کند، سرنوشت ویتنام جنوبی و رژیم وان تیو را در پاریس با له دوکتو و خانم یینه نمایندگی ویتنام شمالی مطرح میکنند.»

«ولی آقایان مدافع مذاکرات خط «گام بگام» باید بدانند که اگر هدف آمریکا از مذاکرات خلاص شدن از مهرکه ویتنام بود، هدف این مذاکرات از جانب ویتنامیها نحوه اخراج نیروهای مسلح آمریکائی از ویتنام، سپردن سرنوشت رژیم وان تیو بدست خلق ویتنام و قطع هرگونه دخالت آمریکا در امور داخلی ویتنام بود. نتیجه مذاکرات هم، پس از کشمکشهای طولانی، چنان شد که ویتنامیها آنرا پذیرفتند، ولی آمریکا آنرا نقض کرد و چون نقض کرد، خلق ویتنام، آمریکا و رژیم دست نشانده اش را «همچون موش مرده از ویتنام بیرون انداختند.»

«این مذاکرات، نحوه برگزاری آن و نتیجه آن، چه وجه مشترکی با مذاکرات «محرمانه» نمایندگان خط «گام بگام» با نمایندگان آمریکا در ایران دارد؟»

«این دیگر از آفتاب روشنتر است که دو خط، چه قبل و چه بعد از پیروزی نخستین مرحله انقلاب (سقوط رژیم شاه مخلوع) در برابر یکدیگر قرار گرفته اند: یکی خط امام، یعنی خط قاطع ضد امپریالیستی و خلقی، خطی که استقلال ایران را در تمام ابعاد آن بطور کامل می خواهد، خطی که نوسازی ایران را بسود مستضعفین می طلبد، و دیگری خط «گام بگام»، خط سازش و مصالحه با امپریالیسم، خطی که استقلال ایران را فقط بطور نسبی و نیم بند امکان پذیر میداند، خطی که نوسازی را نه بسود مستضعفین، بلکه بسود بورژوازی لیبیرال می طلبد.»

«چنین است محتوای مسئله. دعوا و مبارزه بر سر محتوای این دو «خط» است، و الا مذاکره را بطور کلی هیچکس نفی نمی کند. منتها مذاکره داریم تا مذاکره.»

اینجا قطعاتی بود از مقاله ای که قریب یکسال پیش در توضیح «مذاکره داریم تا مذاکره» منتشر کردیم و سفینه لیبیرالها را، که در تیرتیر مذاکرات محرمانه و سازشکارانه خود با نمایندگان آمریکا مطرح ساخته بودند، افشا و رد کردیم.

ولی گوش لیبیرالها قدرت شنیدن حرف حسابی ندارد. در مقاله شماره ۱۲ «میزان» با عنوان «آزادی گروگانها»، درباره ما همان سفینه درصدد تیرتیر انجام مذاکرات محرمانه و سازشکارانه برآمده اند که این بار با رژیم ناسیونالیست (بقول خودشان نماینده جناح فاشیستی هیئت حاکمه آمریکا) داشته اند.

مذاکره با افغانستان

لیبرالها از ما سؤال میکنند که: چرا ما با مذاکره با افغانستان موافقیم، ولی با مذاکراتی که با رژیم ناسیونالیست صورت گرفته، مخالفت کرده ایم. اگر می توان مذاکره کرد، پس مذاکره با رژیم ناسیونالیست نیز مانعی نداشته است. و اگر نمی توان و نباید مذاکره کرد، پس با افغانستان هم نباید مذاکره کرد!

ولی نظر ما معلوم است. ما معتقدیم که باید با افغانستان مذاکره کرد. اگر درست است که جمهوری اسلامی ایران خواستار خروج نیروهای شوروی از افغانستان است؛ اگر درست است که افغانستان رسماً اعلام داشته که اگر خطری از خارج او را تهدید نکند، نیروهای شوروی از افغانستان خارج خواهند شد؛ اگر درست است که آمریکا و چین بدست رژیم ضیاءالحق در امور داخلی افغانستان مداخله، آنها مداخله مسلحانه می کنند؛ اگر درست است که اتحاد شوروی رسماً اعلام داشته است که در صورت رفع خطر از افغانستان و درخواست افغانستان، نیروهای خود را خارج خواهد کرد؛ و اگر درست است که ما طبق قانون اساسی نباید در امور داخلی دیگر کشورها مداخله کنیم، پس بنظر ما لازم است که باید دولت افغانستان به مذاکره نشست، در موضع قطع مداخله مسلحانه در امور داخلی افغانستان قرار گرفت، و در نتیجه، خروج نیروهای شوروی را از افغانستان به مرحله اجرا گذارد. در غیر این صورت، یعنی در صورت خودداری از مذاکره با افغانستان و تأمین عدم مداخله مسلحانه در امور داخلی این کشور، بقیه در صفحه ۶

کارخانه‌ها باید از وجود ضدانقلاب کارگر نما پاکسازی شوند

چندی پیش یکی از کارگران بنام "بخش پور"، که حدود چهار سال سابقه کار در این کارخانه دارد، به صرف اینکه به فرماندار قائم شهر گفته بود شورا کار مثبت انجام نمی دهد، از کار اخراج شد و دو هفته بعد هم او را بازنشسته کردند.

مسئله‌ای که مدتی است در این کارخانه ذهن کارگران را بخود معطوف کرده، مسئله "بازنشستگی" است. چندی پیش مدیرعامل کارخانه اعلام کرد که کارگران تا اول اسفندماه بازنشسته خواهند شد و اگر کارگران سخما تقاضای بازنشستگی نکنند، یکماه زودتر (یعنی اول بهمن ماه) بازنشسته می شوند.

حدود ششصد تن از کارگران زیرتقاضا نامه بازنشستگی را امضاء کردند، فقط به این دلیل که در شرایط جنگی از ایجاد اغتشاش در کارخانه جلوگیری کنند. خوشبختانه مدیرعامل موفق به انجام اینکار نشد. حال اگر کارفرما در اینکار توفیق می یافت، اولاً امکان داشت عده‌ای از کارگران به اعتصاب و یا دیگر شیوه‌های اعتراضی متوسل شوند، که در

در شرایطی که رژیم جنایتکار صدام به تحریک امپریالیسم آمریکا به خاک میهن ما تجاوز کرده است و قصد نابودی جمهوری اسلامی نوپای ما را در سر می پروراند، عوامل ضد انقلاب و لیبرال های سازشکار ریویسته می گویند که از مبارزات کارگران تهران و آگاه جلو گیری کنند. نمونه این اعمال ضدانقلابی را میتوان در کارخانه نساجی شماره ۱ و گونی بافی قائم شهر بوضوح مشاهده کرد.

در کارخانه نساجی شماره ۱، اضافه کاری فقط مختص عده خاصی است که تحت حمایت کارفرما قرار دارند. این افراد در طول هفته، چون دیگر کارگران فعالیت چشمگیری در کارخانه ندارند و از آنها برای خنثی کردن هر اعتراضی برحقی استفاده میشود. این کار مخصوص در قسمت تعمیرخانه نساجی شماره ۱ معمول است. با این ترتیب که کارگران مومن به انقلاب را شناسایی میکنند و با برچسب "کمونیست" و "ضدانقلاب" آنها را از کارخانه اخراج میکنند، بعنوان نمونه میتوان از دو کارگر جوان نام برد که تمام نیروی خود را صرف تولید بیشتر و تقوی روحیه انقلابی در کارگران میکنند. این دو نفر چندی پیش که برای گرفتن وسایل ایمنی دست به اقداماتی زده بودند، با پرونده سازی که از جانب کارفرما علیه آنها صورت گرفته بود، از کار اخراج شدند، هرچند که این عمل کارفرما با اعتراض شدید کارگران مواجه شد و پس از بیست روز دوباره کارگران به سرکار خود بازگشتند. در این کارخانه شرایط خفقان آوری حکمفرماست. مثلاً

نتیجه عملاً به نفع آمریکا و ضدانقلاب تمام میشد. ثانیاً: بازنشستگان عموماً استادکاران را شامل می شدند، که با کناره گذاری یکباره آنها، کارخانه با کمبود کادر فنی مواجه میشد

ناگفته نماند که در این کارخانه تا بحال کسی را به عنوان کارآموز - برای دیدن دوره تخصصی - استخدام نکرده اند و معلوم نیست که با بازنشسته شدن کادرفنی - که هر یک بیش از چهل سال سابقه کار دارند - چگونه کارخانه به حیات خود ادامه خواهد داد. خوشبختانه مدیرعامل کارخانه از کاربرکنار رسیده و مدیرعامل جدیدی به این سمت گمارده شده است. حال باید در انتظار اقدامات مدیرعامل جدید بود و البته فقط کارگران شاغل در کارخانه میتوانند در مورد اوقضاوت کنند.

مسئله‌ای که باعث نگرانی خاطر کارگران شده، فعالیت چندتن از سرسپردگان رژیم منقر گذشته است، که پیوسته نقش عمده‌ای در ایجاد جو متشنج در کارخانه بعهده داشته اند. یکی از این افراد عضو ساواک منحل و دیگری شخصی است که بعنوان فرمانده چماقداران در میان کارگران شهرت دارد.

کارگران خواستار آنند که کارخانه هرچه زودتر از لوث وجود این کارگر نماها پاک شود، تا آنها بتوانند در محیطی آرام سطح تولید را به حداکثر برسانند.

سندیکای کارگران کفاش تهران:

فقط شش درصد کارگاههای کفاشی زیر پوشش بیمه‌اند

سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه، اخیراً، در ارتباط با مسئله بیمه‌های اجتماعی بیانیهای انتشار داده است.

در این بیانیه، سندیکا، پس از طرح مسئله بیمه‌های اجتماعی و اهمیت آن، یادآور شده که: "در تهران از هر یکصد کارگاه کفاشی، بیش از عکاز گاه از بیمه‌های اجتماعی برخوردار نیست و آن کارگاه‌هایی که زیر پوشش بیمه قرار دارند نیز بطور عمده با این مشکل دست بگریبان اند که: "کارفرمایان لیست بیمه کارگران را پرداخت نمی کنند". سپس در بیانیه آمده است: "یکی از علت‌هاییکه باعث گشته بیمه‌های اجتماعی در صنایع کفاشی مل پیاده نشود عدم پیگیری کارگران میباشند که لازم شد مزایای را که کارگران با داشتن دفترچه بیمه‌های اجتماعی میتوانند، از آن بهره‌مند گردند، برای اطلاع بیشتر کارگران ذکر نمائیم:

- ۱- استفاده از امکانات درمانی (برای خود و خانواده)
- ۲- حق از کار افتادگی و پرداخت ۷۵ درصد حقوق ذکر شده در لیست بیمه، همینطور در هنگام بیماری،
- ۳- گرفتن وام مسکن،
- ۴- دریافت حق اولاد ۱۹۰۵ ریال برای یک فرزند، دوفرزند ۳۸۱۰ ریال، بیش از دوفرزند نیز تعلق نمی‌گیرد.

برای استفاده از امتیازات و امکانات فوق‌الذکر طریق بیمه‌های اجتماعی، از کلیه کارگران کفاش دعوت مینمائیم:

روزهای شنبه ساعت ۴/۳۰ دقیقه بعد از ظهر در جلساتی که بدین منظور تشکیل میگردد، شرکت نمائید. دوستان کارگر سندیکا خانه شماست... با شرکت فعال خود در سندیکا بکوشیم تا علیه اخراج، بیکاری و... یکپارچه عمل نمائیم.

با تشکر خود در سندیکا، پایه‌های سندیکا را مستحکمتر گردانیم.

در شرکت یگاندهشت:

برگماری مدیریت انقلابی و کارآمد، ضرورت تام دارد

شرکت یگاندهشت واقع در ۱۴۰ کیلومتری شمال شیراز (در جاده شیراز-اصفهان) مواد اولیه‌ای نظیر خیار و گوجه‌فرنگی برای کارخانه "یک ویک" فراهم میکند. علاوه بر آن، شرکت سالانه مقداری گندم و جو و یونجه جهت فروش تولید می کند. همچنین شرکت برای واحد دامپروری خود علوفه نیز تامین میکند. این شرکت دارای صد هکتار باغ از انواع هلو، شلیل، آلبالو و سیب است و سالانه تقریباً ۱۵۰ تن ماهی و در حدود ۲۰۰۰ راس گوسفند تولید و پرورش میدهد.

شرکت مشمول بند "ج" قانون ملی شدن قرار گرفت و فعلاً زیر پوشش دولت است. کنت در این شرکت کاملاً مکانیزه است ولی برداشت خیار و گوجه‌فرنگی بوسیله کارگران صورت میگیرد، اما جو و گندم و یونجه با ماشین برداشت می شود.

کارگران این شرکت، پس از انقلاب، شورا تشکیل دادند. ولی در اینجا هم مثل سایر شرکتهایی که بعد از انقلاب ملی شدند "دولت موقت" مدیرانی برای آنها فرستاد، شورا دچار مشکلاتی گردید. البته با همت

کارگران مبارز، مدیران نتوانسته اند تمام اختیارات را از دست شورا بگیرند. شورا مجدداً قوت گرفته و فعال است. تعداد کارگران دائمی و رسمی در شرکت حدود ۳۰۰ نفر است، ولی در فصل برداشت حدود ۴۰۰ کارگر موقت استخدام میشوند. تا برداشت خیار و گوجه را بعهده بگیرند. این کارگران موقت معمولاً از زنان روستا - های اطراف و محصولین تشکیل میشوند. در این واحد مشکل اساسی، عدم مدیریت صحیح است، زیرا از طرفی مدیران جانب "دولت موقت"، در تهران، با ضوابط دولت لیبرال ها غمخواره شده، بازسوی دیگر نه تنها با موقعیت محل آشنا نیست، بلکه اصول کشاورزی را هم نمیدانند.

مشکل اساسی کارگران سواد آنهاست. حدود ۹ درصد کارگران سواد خواندن و نوشتن ندارند و شدیداً به کلاسهای سوادآموزی محتاجند. جادارد نهاد انقلابی "نهضت سوادآموزی" با جدیت تمام یاران صمیمی و پشتیبان واقعی انقلاب، یعنی کارگران زحمتکش را یاری رساند.

مشکل دیگر کارگران، نداشتن خانه است. کارگران شرکت را میتوان با وامهای کافی و مساعد موقتاً یاری رساند و گری از گره‌های زندگی حیات بخش آنها را کشود.

در این مقطع که انقلاب عظیم ما مورد هجوم امپریالیسم آمریکایزد- انقلاب پرورده آن قرار گرفته، کارگران باید به فنون نظامی آشنا شوند. کارگران مبارز شرکت آمادگی کافی جهت یاد گرفتن آموزشهای رزمی را دارند. به کمک آنها بشتابیم، که این کار به معنای تقویت جبهه و پشت جبهه است!

کارگران مبارز ایران!
در یکدست با ابزار کار
و در دست دیگر با اسلحه،
از میهن انقلابی دفاع کنید!

در ماشین سازی اراک متأسفانه انقلاب موضع دفاعی دارد!

هدار به مسئولین جمهوری اسلامی ایران:

پاره‌ای از مسئولین سازمان گسترش و توسعه صنایع با انقلاب سرآشتی ندارند

به جا معما وارد آورده است. ماشین سازی اراک بجای اینکه هم‌اکنون بتواند بخش عمده‌ای از نیازهای صنعتی مملکت را برطرف کند (که می تواند) روز بروز با کاهش تولید روبروست.

عدم رسیدگی به خواست‌های برحق کارگران، تعقیب برنامہ های غلط رژیم طاغوت و عدم برنامه ریزی صحیح، جلوگیری از تشکیل انجمن های صنفی کارگران و جلوگیری از فعالیت شورای کارکنان، ایجاد دیاس و دلسردی در بین کارکنان کارخانه، با زگرداندن ساواکی‌های اخراجی کارخانه به سرکار، و زرمه شوم تقاضای اخراج کارکنان مبارز

میزان تولید ماشین سازی اراک بطور سرسام آوری رو به کاهش است. این خفرت حادی برای صنایع بزرگ جمهوری اسلامی ایران، که هر چه زودتر با بدجلوی آن گرفته شود، تعقیب سیاست های غلط رژیم منحوس پهلوی، از طرف پس مانده های دولت "کام به کام"، که اکنون در سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران لانه کرده اند، علت اصلی این نابسامانی هاست.

این سیاست در شرایط کنونی که از نظر اقتصادی وضع دشواری را می گذرانیم و چرخ اقتصاد به مملکت با بدبختی حد اکثر سرعت به حرکت درآید، لطمات سنگینی

در کارخانه پلی اکریل:

بارسیدگی به خواستهای کارگران، باید از فعالیت ضدانقلاب جلوگیری کرد

روز شنبه ۲۷/۱۰/۵۹، کارگران و تکنیسین های کارگاه مرکزی کارخانه "پلی اکریل"، به مدت ۲ ساعت دست از کار کشیدند. آنها خواستار ملاقات با رئیس کارخانه و در میان گذاشتن مسائل و مشکلات خود بودند. این افراد اظهار می کردند که تا کنون چندین بار با مهندسین قسمت در این مورد صحبت کرده اند و مسائل موجود را با آنها در میان گذاشته اند، ولی تا کنون به این مشکلات و کمبودها رسیدگی نشده است.

مسائل کارگران عبارت است از: مشکل مسکن، نداشتن کفش ایمنی، طبقه بندی مشاغل و غیره. این مشکلات نه در این قسمت، بلکه در تمامی کارخانه مطرح است.

در پی مطرح شدن این مسائل، عده‌ای با سوء استفاده از موقعیت، اشغال "انقلابی" (!) دستگاه کارخانه‌های مسکونی در حال اتمام کارخانه را، مطرح کردند.

خواستهای کارگران "پلی اکریل" راه چلهای مختلف دارند: بعضی از آنها را می توان براهتی وبدون اشکال برطرف کرد. تعدادی نیز احتیاج به برنامه ریزی و زمان دارند. البته این حق کارگران است تا خواستهای خود را طلب کنند و وظیفه مسئولین است، تا به آنها رسیدگی کنند.

از جمله مشکلات کارگران نداشتن کفش ایمنی است. این ضروری ترین کارهایی است که برای کارگران باید صورت داد. شرایط کار

جان آنها را تهدید می کند و تضمین سلامتی کارگران در حین کار فوریت تام دارد.

مشکل مسکن نیز مسئله‌ای است که برای تمامی کارگران کشور وجود دارد. ایجاد ساختمانهای مسکونی در جوار کارخانه‌ها و مراکز تولیدی برای کارگران باید به تدریج زمینه حل این مشکل را فراهم آورد.

طرح طبقه بندی مشاغل نیز، آنچنانکه اعلام شده است، در مرحله برنامه ریزی و اجرای آزمایشی است. طبق گفته وزارت کار، این طرح به مجرد تکمیل و آماده شدن، در سراسر کشور اجرا خواهد شد.

مسئولین نیز وظیفه دارند، تا از هر کاری که بتواند به نفع کار

در پی مطرح شدن این مسائل، عده‌ای با سوء استفاده از موقعیت، اشغال "انقلابی" (!) دستگاه کارخانه‌های مسکونی در حال اتمام کارخانه را، مطرح کردند.

خواستهای کارگران "پلی اکریل" راه چلهای مختلف دارند: بعضی از آنها را می توان براهتی وبدون اشکال برطرف کرد. تعدادی نیز احتیاج به برنامه ریزی و زمان دارند. البته این حق کارگران است تا خواستهای خود را طلب کنند و وظیفه مسئولین است، تا به آنها رسیدگی کنند.

از جمله مشکلات کارگران نداشتن کفش ایمنی است. این ضروری ترین کارهایی است که برای کارگران باید صورت داد. شرایط کار

ویژه
هیئت
های
هفت
نفری

نقش کلیدی
هیئت‌های
هفت نفری

بها دانیایی هیئت‌های واگذاری زمین وظیفه دار انجام یکی از اهداف مهم انقلاب بزرگ ماست. از همین رو توده میلیونی دهقانی و دهقانان بیون جسم امید خود را به آن دوخته‌اند. تا تمام و کمال قانون اصلاحات ارضی را با اجرا درآورد، از همین رو است که ضدانقلاب و بزرگ مالکان با اینهمه کینه و عصب با آن روزیرو میسوزند. تصمیم به تشکیل این هیئت‌ها در قانون مصوبه ۸ اسفند ۵۸ گرفته شد. ولی آئین نامه

اجرائی در اردیبهشت ۵۹ تصویب شد و از اوایل بهار امسال است که تشکیل هیئت‌ها آغاز شد و در مرحله اول کار خود به تحقیق در وضع مالکیت‌ها پرداخت. ترکیب مردمی و فعالیت انقلابی هیئت‌ها، دهقانان را به آینده خویش و به سرنگونی انقلاب امیدوار ساخت و علیرغم مشکلات و تضییقاتی که بر اثر اعمال فشار بزرگ مالکان و روحانی نمایان مخالف خط امام خمینی و لیبرال‌ها به وجود آمد و

موجب تعویق موقتی بند "ج" - نکته گزنی قانون - شد. هم اکنون نیز دهقانان، که به حمایت کلیه نهادها، هیئت‌های انقلابی امیدوار هستند، در انتظار اقدام سریع هیئت‌ها آمادگی خود را برای همه گونه همکاری و مشارکت اعلام می‌دارند. مطالب این صفحه دهقانی نام "مردم" به امور مربوط به هیئت‌های ۷ نفری اختصاص دارد.

اهالی روستای
«فرادنبه»
وهیئت
هفت نفری

روستای بزرگ فرادنبه، که در ۹ کیلومتری غرب شهر بروجن واقع است، ۱۲ هزار نفر جمعیت دارد. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، قدرت بزرگ مالکان این ده، که پیش از آن نبض اقتصادی-سیاسی این روستا را در دست داشتند، متزلزل گردید. این امر خود زمینه‌ای برای شرکت گسترده‌تر دهقانان این روستا در اداره «روستا فراهم کرد». توسط زحمتکشان فرادنبه شورای ده به وجود آمد، که در جهت خواست‌های دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین اقدامات مثبتی انجام داد. از سوی دیگر هیئت‌های هفت نفری واگذاری زمین نیز به این روستا آمدند و امر تقسیم زمین‌های بزرگ مالکان بین روستاییان را آغاز کردند.

اقدامات مثبت هیئت هفت نفری زمین‌واگذاری مثبت شورای ده موجب خشم و وحشت بزرگ مالکان شد. بزرگ مالکان ده کوشش‌های فراوانی به عمل آوردند. تا فعالیت‌های این نهادها را انقلابی را مختل کنند و با تحریک، ایجاد آشوب و بسیج مزدوران جلوی فعالیت‌های هیئت‌های هفت نفری را بگیرند. این بزرگ مالکان، که مخالف انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند، اعضای هیئت‌های هفت نفری واگذاری زمین را تهدید کردند که اگر کارهای آنان ادامه یابد، اعضای این هیئت مورد ضرب و شتم قرار خواهند گرفت. فعالیت‌های ضدانقلابی این مالکان و مزدوران آنان تا بدان جا رسید که یکی از اعضای "هیئت هفت نفری تقسیم زمین" از سوی این عناصر تهدید به مرگ شد.

زحمتکشان این روستا، که سال‌های سال زیر ستم بزرگ مالکان قرار داشتند به پشتیبانی از هیئت هفت نفری برخاستند و خواستار محاکمه این بزرگ مالکان شدند. هیئت هفت نفری واگذاری زمین نیز پس از مشاهده اقدامات ضدانقلابی و مخرب این بزرگ مالکان، با مراجعه به دادگاه انقلاب شهر کرد، علیه این عناصر ضد انقلابی شکایت کرد.

دادگاه انقلاب شهر کرد، پس از رسیدگی به پرونده این عناصر، حکم بازداشت آنان را صادر کرد و سه تن از عوامل ضدانقلابی به نام‌های حسین بصیری معروف به حسین بها (یکی از شوروترین و بدنام‌ترین افراد روستا و مزدور نفوذال‌ها)، فریدون ربیعی، بزرگ مالک و کامیون‌دار و بهمن ربیعی بزرگ مالک روستا، توسط سبایان پاسدار دستگیر و به دادگاه انقلاب فرستاده شدند.

دهقانان
چشم‌پراه هیئت‌های
هفت نفری هستیم

در زمان رژیم منصور طاغوتی گذشته در منطقه مانیز بزرگ مالکی به اسم "دکتر مستوفی" که از ایادی دربار منحوس پهلوی و همکاران آن رژیم بود، می‌خواست تحت عنوان مجتمع با اصطلاح "دامپسروری حفظ آباد" زمین‌های کشاورزان محروم را بزور و غصب کند و حتی می‌آوردت به خشکاندن چشمه‌های سالیزارها نمود و اراضی جنگلی را نیز با قطع درختان بصورت مخروبه درآورد، که بحمد الله با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی - مان فرار را برقرار ترجیح داد چرا که انقلاب از آن کوخ- نشینان بودند که کاخ نشینان، و از این رو به همت شورای واگذاری زمین استان گیلان در سال گذشته مقداری از آن زمین‌ها به کشاورزان بی‌زمین و کم- زمین اختصاص یافت و چون هنوز سطح زیادی از زمین‌های فوق بلا استفاده افتاده که قابل کشت است و با حمایت ارکان‌های انقلابی استان می‌توان در آنها پرورشکاری نمود و لذا عده‌ای نیز از افراد بی‌زمین و کم‌زمین و خوش نشین در این روستاها باقی است و از آنجا که فصل کشت در شروع می‌شود، در انتظار هیئت‌های ۷ نفره تقسیم زمین هستیم تا در این شرایط جنگ تحمیلی آمریکا بر میهن انقلابیمان در خنثی کردن توطئه محاصره اقطاعی و سایر دسایس شیطان بزرگ و دشمنان انقلابیمان کوشیده و هم‌در راه تقویت انقلاب و پشت جبهه و کسب روزی و آذوقه برای خانواده‌ها می‌مان فعال باشیم. ما چشم براه هیئت‌های هفت نفری واگذاری زمین هستیم. با احترامات کثرت کشاورزان بی‌زمین و کم‌زمین

روستاها و کسورمان و از آن جمله به روستاهای شیخ محله جوکندان و خواجه کندی هشتر تالش بروند و قانون اصلاحات ارضی را به اجرا درآورد. قانون باید تمام و کمال اجرا شود و قیدی که بر اثر اعمال فشار بزرگ مالکان بر بندهای آن بسته شده، پاره گردد. اراضی بایر، اراضی که به زور و با توسل به ارتباطات طاغوتی یا خانواده منصور پهلوی به دست آمده، باید هر چه زودتر تحویل دهقانان شود. در مورد این گونه زمین‌ها هیچ‌گونه درنگ و تعویق، حایز شده نشده است. برعکس، این اراضی از جمله "مناطق مساعدتی" است که به هنگام اعلام تعویق موقتی بند "ج"، ادامه کار هیئت‌های هفت نفری در آنها ضرور و مفید دانسته شد. دهقانان شیخ محله جوکندان و خواجه کندی هشتر در انتظارند...



از سخنان حجت الاسلام نورمفیدی،
نماینده امام در گرگان

... طرح واگذاری زمین، که به تصویب آیت‌الله منتظری و مشکنی رسیده است، بنظر من کاملاً اسلامی و انقلابی است. ... فتوادل‌ها قصد دارند از سه طریق مانع انجام طرح واگذاری زمین به دهقانان گردند: اول آن‌ها می‌خواهند بین ترکمن و بلوچ و فارس درگیری ایجاد کنند و چون درگیری و اختلاف سبب کاهش محصول می‌گردد، سر- انجام بگویند تقسیم زمین باعث تشنج و کاهش محصول گردید. دوم - آنها (فتوادل-ها) می‌خواهند با فرستادن عمال خود به درون شوراها محلی

دهقانان روستاهای «شیخ محله جوکندان»
و «خواجه کندی هشتر» خواستار ورود
هیئت واگذاری زمین هستند

اینجانبان عده‌ای از کشاورزان بی‌زمین و کم‌زمین روستاهای شیخ محله جوکندان و خواجه کندی هشتر تالش، طی نامه‌ای، که رونوشت آن برای جراید ارسال شده، خواستار ورود هیئت واگذاری زمین به روستا-ها پیشان و اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی شده‌اند. آنان در نامه خود نوشته‌اند: "اینجانبان عده‌ای از کشاورزان بی‌زمین و کم‌زمین روستاهای شیخ محله جوکندان و خواجه کندی طوالش (گیلان) که افرادی محروم و مستضعف بوده که جز با زوری کار و امید پروردگار سرمایه دیگری نداریم و سال‌های سال زیر- شکنجه رژیم طاغوتی بودیم، با آن‌که خود و فرزندانمان شب و روز روی زمین دیگران کار می‌کردیم، نمره‌های ارز حمت خود نمی‌بردیم. به لطف حق و به رهبری امام خمینی انقلاب شکوهمند اسلامیمان جهت برانداختن رژیم منحوس طاغوتی و دادن حق به حق‌دار و از جمله زمین به دهقانان محروم روستا، بر مستکبران و کابو نشینان پیروز شد و امید و انتظار ما نیز با تصویب قانون اصلاحات ارضی صد- جندان شد و به این دلگرم شدیم که بعد از این از نمره کارمان بهره‌مند خواهیم بود. جهت آمدن هیئت‌های ۷ نفری به روستایمان لحظه شماری کردیم. چون در روستای ما نیز شخصی به نام دکتر مستوفی، که از ایادی رژیم طاغوتی پهلوی و وابستگان به شیطان بزرگ آمریکای جهان‌خوار بود و مقدار چند صد هکتار زمین‌های بایر را صرف کرده بود که از خوف انقلاب فراری گردید. از سال گذشته که واگذاری زمین‌ها به کشاورزان مستضعف آغاز شد، ما حوآهان تقسیم زمین‌ها بودیم و از جمله زمین‌هایی که در این دو روستا واقع است. از این رو ما حوآهان اجرای قانون و آمدن هر چه زودتر هیئت‌های هفت نفره به روستایمان می‌باشیم. اگر این زمین‌ها به کشاورزان مستضعف تقسیم شود، برای برنج‌کاری بسیار مناسب خواهد بود و حتی با حفر چاه نیمه عمیق محصول فراوانی می‌توان برداشت نمود." به این نوشته دهقانان تالش باید هر چه زودتر پاسخ مثبت و عطلی داد. هیئت‌های واگذاری زمین به خوبی واقفند که بزرگ مالکان، به همراه سایر ضدانقلابیون، در تدارک توطئه هستند و خواب سرنگونی جمهوری انقلابی اسلامی ایران را می‌بینند. افراد این هیئت‌ها به خوبی می‌دانند که دهقانان زحمتکش نیروی سترگ مدافع و پشتیبان انقلاب هستند. پس بر اساس این آگاهی درست، باید هر چه زودتر به تمام

زمین‌های د کتر مستوفی
فراری را به دهقانان
واگذار کنید!

دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین فرا- توابع هشتر طوالش خواستار تقسیم زمین‌های دکتر مستوفی، بزرگ مالک این منطقه، که اکنون متواری است، هستند. هیئت هفت نفری منطقه می- تواند سرریا به این مسئله رسیدگی کند. دکتر مستوفی در دوران رژیم طاغوت نزدیک به دوهزار هکتار از زمین‌های فرا- مختلف توابع هشتر طوالش را جهت "دامداری" و "کشاورزی" غصب کرد. این شخص با کمک فرد دیگری به کار "شکل‌تراشی" نیز می‌پرداخت. پس از انقلاب و به دنبال فرار دکتر مستوفی به خارج، ۸۰ هکتار از زمین‌های تسطیح شده اراضی او توسط "شورای واگذاری زمین استان گیلان" به دهقانان واگذار گردید. هم چنین ۲۲ هکتار زمین نیز از سوی این شورا به منظور کشت محصولات دیمی به روستاییان واگذار شد. با وجود این، ما بزرگ مالک، با مراجعه به دهقانان، از آن‌ها خواست که هر چه زودتر از زمین‌ها خارج شوند، چون گویا "دکتر" باز خواهد گشت! از سوی دیگر، شریک مالک نیز تمامی دستگاه‌های بولدورز مخصوص حمل‌چوب را از محل برده است. در واقع عمال بزرگ مالک مشغول ارعاب و خرابکاری هستند. هیئت هفت نفری باید به دهقانان برسد. جا دارد که هیئت هر چه زودتر به این امر رسیدگی کند.

- رونوشت به: ۱- دفتر امام خمینی ۲- مجلس شورای اسلامی ۳- دفتر نخست وزیری

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگان بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

امروز، دوشنبه ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ (۴ اسفند ۱۳۵۹) کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو گشایش می‌یابد. به مناسبت این رویداد تاریخی، پیام شادباشی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به نمایندگان این کنگره حزب برادر ارسال گردیده است، که متن آن در زیر به چاپ می‌رسد.

به نمایندگان بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی رفتای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت رویداد تاریخی تشکیل بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، پرشورترین درویدا و صمیمانه‌ترین آرزوهای برادرانه خود را به شما نمایندگان این کنگره با عظمت و توسط شما، به همه کمونیستهای شوروی، به همه خلق قهرمان شوروی تقدیم می‌دارد.

کنگره بیست و ششم در شرایطی برگزار می‌شود که زحمتکشان کشور زادگاه اکبر کبیر، زیر رهبری ستاد لنینی خود - کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، با اجرای قراردادهای کنگره بیست و پنجم حزب، در کلیه شئون سیاسی، اقتصادی، فنی، فرهنگی و علمی و در یکپارختگی ناپذیر برای حفظ صلح جهانی و استقلال و آزادی خلق‌ها، به دستاوردهای درخشان تازه‌ای رسیده و در راه ایجاد بنیاد مادی - فنی کمونیسم گام بلند دیگری به پیش برداشته‌اند. کنگره‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی، از هنگام بنیادگذاری این حزب، همیشه اهمیت جهانی ستاریخی داشته‌اند و دارند. قراردادهای کنگره‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی نه تنها در زندگی خلق‌های شوروی، بلکه در سرنوشت همه خلق‌های کیتی، در پیشرفت جنبش‌های انقلابی کارگری و آزادیبخش ملی، در سیر تحول سراسر زندگی بین‌المللی، تأثیر انکارناپذیر و بخشیده‌اند.

کنگره حاضر، که باتکیه بر قدرت عظیم مادی و معنوی ناشی از دستاوردهای دهمین برنامه پنجساله رشد اقتصاد ملی اتحاد شوروی، به کار می‌پردازد و رهنمودهای اصولی یازدهمین برنامه پنجساله را تعیین و استراتژی

اقتصادی حزب را برای یک دوران طولانی‌تر تدقیق می‌کند، بسی‌شک مرحله تازه‌ای برای نیل به کامیابی‌های بزرگتر آغاز خواهد نهاد.

پیشرفت سریع و بی‌سابقه اتحاد شوروی - نخستین کشور سوسیالیستی جهان، در همه عرصه‌های حیات مادی و معنوی خلق، بهترین نشانگر برتری‌های نظام سوسیالیسم و توان سازندگی این جامعه نوین بر نظام ضدبشری سرمایه‌داری محکوم تاریخ است. کشور زادگاه لنین بزرگ، در پرتو وفاداری بی‌خدشه به اصول مارکسیسم - لنینیسم و کاربرد خلاق و تکامل‌یافته تئوری مارکسیستی، راه‌نمایی است برای همه جنبشهای انقلابی آزادیبخش جهان و همه خلق‌های ازبندرسته‌ای که در راه استقلال واقعی، آزادی، پیشرفت اجتماعی و عدالت اجتماعی، علیه امپریالیسم جهانی مبارزه می‌کنند.

دستاوردهای جامعه سوسیالیستی رشد یافته در افکار توده‌های زحمتکش جهان تحول بنیادی ایجاد کرده‌اند. این دستاوردها اکنون به معیاری بدل شده‌اند که پیشرفت اجتماعی هر کشوری را در قیاس با آنها می‌سنجند. همین تحول در افکار توده‌های جامعه است که نیروهای تاریک‌اندیش امپریالیسم و ارتجاع جهانی را بیش از هر زمان دیگری به هراس انداخته و موج تازه‌ای از هیستری و افتراات موزیانه دستگاه تبلیغات بورژوازی را علیه سوسیالیسم جهانی موجب شده‌است. در این کارزار، انواع عناصر ضد کمونیست، ضد شوروی، شبه مارکسیستی، به‌ویژه مائوئیست‌ها و نیز «رادیکال‌های چپ‌نما»، که با نشخوار ساخته‌های مبتذل موسسات ضد کمونیستی امپریالیسم به میدان می‌آیند، در یک جنبه عمل می‌کنند. این تلاشها تا زگی ندارند. دهمین سال است که دشمنان سوسیالیسم، همساله و هم‌روزه، شیوه‌ها و وسایل تازه‌ای را برای تضعیف نیروی جاذبه اندیشه‌های سوسیالیسم و بی‌اعتبار ساختن دژ نیرومند صلح جهانی - کشور زادگاه اکبر بزرگ - به کار می‌برند. ولی علیرغم این تلاشها، اتحاد شوروی و مجموع جامعه

متحد کشورهای سوسیالیستی، در پرتو پیشرفت شگرف خود در همه عرصه‌های زندگی، روز به روز به نیروی پرتوان‌تری در دفاع از منافع حیاتی خلق‌های زیرستم در قبال تجاوزها، تهدیدها و توطئه‌های امپریالیسم تبدیل می‌شوند. اندیشه‌ها و دستاوردهای تاریخی اکبر، سیاست اتحاد شوروی در عرصه جهانی، اقتدار روزافزون مجموع جامعه متحد کشورهای سوسیالیستی و پشتیبانی موثر و صادقانه آنها از خلق‌های رزمنده راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی، عامل قاطعی هستند که امکان امپریالیسم جهان‌شور را برای تجاوز و صدور راهزنانه ضد - انقلاب، محدود و در مواردی غیر ممکن کرده‌اند.

در دوران ما، در سراسر جهان هیچ جنبش انقلابی و هیچ انقلاب مردمی پیروزمند ضد - امپریالیستی را نمی‌توان سراغ کرد که مستقیم یا غیرمستقیم از آرمان‌های اکبر، از کمک‌های آنترناسیونالیستی و پشتیبانی موثر مادی و معنوی دولت آفریده اکبر، برخوردار نشده باشد.

مردم ایران، در همان فردای پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، با پیام تاریخی لنین بزرگ به خلق‌های مسلمان روسیه و خاورزمین، که در آن همه قراردادهای ظالمانه تحمیلی رژیم تزاری به ایران ملغی اعلام شد، تأثیرات حیاتی بخش این پشتیبانی نیرومند را زودتر از خلق‌های دیگر جهان احساس کردند.

این پشتیبانی در تمام دوران موجودیت اتحاد شوروی، در مناسباتش با خلق‌های ایران و با جنبش انقلابی مردم ایران پیوسته و پیگیر ادامه داشته است. نمونه درخشان این پشتیبانی اتحاد شوروی را مردم ما در روزهای انقلاب شوک‌مند ضد امپریالیستی و مردمی ایران، به رهبری امام خمینی، مشاهده کردند. در آن لحظات حساس که انقلاب ایران در قبال نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا با خطر جدی روبرو شده بود، لئوئید پورژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، با قاطعیت تمام به پشتیبانی از ایران انقلابی برخاست و در مصاحبه

مشهور خود، خطاب به نیروهای امپریالیستی جهان و در راس آنها امپریالیسم تجاوزگر آمریکا، اعلام کرد که، اتحاد شوروی «باهرگونه مداخله در امور داخلی ایران، از جانب هر کسی، به هر شکل و تحت هر عنوان که باشد، مخالف است». اتحاد شوروی بر آن است که «حوادث ایران جنبه کاملاً داخلی دارد و مسائل مربوط به این حوادث را خود مردم ایران باید حل و فصل کنند».

دشمنان جمهوری اسلامی ایران بی‌بهره می‌کوشند مناسبات میان ایران انقلابی و کشورزادگاه انقلاب اکبر را تیره سازند. تجربه تاریخی به مردم ایران آموخته است که هر وقت روابط میان ایران و اتحاد شوروی تیره بوده، زمینه برای اجرای نقشه‌های تجاوزگرانه و فعالیت غارتگرانه راهزنان امپریالیست هموار بوده است.

بی‌جهت نبود که اقدام ردیالانه چندین پیش مشتی عناصر تبهکار، به‌گرداندگی عناصر ضدانقلابی و مائوئیست، برای حمله به سفارت اتحاد شوروی در تهران، که با قصد آشکار تیره کردن مناسبات ایران و شوروی انجام گرفت، با استقبال وسیع محافل امپریالیستی سراسر جهان روبرو شد. مردم ایران این عمل را شدیداً محکوم کردند.

سیاست اتحاد شوروی نسبت به ایران انقلابی ضد امپریالیستی، سیاست یک متحد طبیعی است، سیاست نیک‌خواهانه و دوستانه است، سیاست فارغ از هرگونه شائبه

غرض است، و مردم ایران به حق خواستار آنند که از امکانات عظیم مادی و معنوی این کشور دوست برای اثربخش‌تر کردن پیکار عادلانه آنها علیه امپریالیسم، برای تسریع انقلاب و پیشرفت آن در همه ابعاد، بهره‌گیری لازم به عمل آید.

حزب توده ایران همیشه اعلام کرده‌است که دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم آمریکاست، که لحظه‌ای از توطئه و نقشه‌کشی برای سرکوب انقلاب و احیای تسلط دوزخی خود بر زمین مافارغ نیست، و مقابله با توطئه‌ها و عقیم گذاشتن نقشه‌های تجاوزکارانه چنین دشمن غداری، فقط به نیروی جنبه متحد خلق میسر خواهد بود. کم‌پسدادن به ضرورت مبرم تشکیل این جنبه، دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با خطر مهلک روبرو می‌سازد.

رفتای عزیز نماینده کنگره! در این روزهای تاریخی، که کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی برادر، به تدوین و تصویب قراردادهای تاریخی و رهنمودهای برنامه جدید رشد اقتصادی کشور مشغولست، ما کارنمربخش شما و کامیابی‌های هرچه بیشتر شما و همه زحمتکشان شوروی را در تحقق پیروزمندان این قرارها و این برنامه با عظمت، برای گسترش بازم بیشتر ساختمان سوسیالیسم رشد یافته و ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم، برای مبارزه در راه صلح جهانی، آزادی، برابری واقعی و نیکبختی سراسر جامعه زحمتکش بشری، صمیمانه آرزو مندیم.

با درود برادرانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول - نورالدین کیانوری

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفتای گرمی!

بانهات سیاست‌گزاری از دعوت شما برای شرکت در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی، بعلمت محدودیت‌هایی، که در زمینه خروج از کشور پدید آمده است، متأسفانه فرستادن نمایندگان به آن کنگره، تا این لحظه، ممکن نیست. از این جهت به پیام شادباشی به کنگره بیست و ششم حزب شما اکتفا می‌ورزیم و موفقیت این گردهمایی تاریخی را از صمیم قلب خواهانیم.

با درودهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول - نورالدین کیانوری دوم اسفند ۱۳۵۹

ادعا شده است که: «تا آزمون سابقه نداشت که دولت پیشنهاد مذاکرات خود را بانظر دیپلمات خارجی و یا باکاردار سفارت آمریکا را باطلاح امام برساند». و آنگاه در اثبات این دعوی، مثال می‌آورد و مینویسد: «منجمله مسئله ملاقات و مذاکره وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با سایر روس‌ها... در حالیکه نه دولت و نه شورای انقلاب و نه رهبری در این مورد، یعنی درخواست وزیر خارجه آمریکا برای ملاقات و انجام آن نظر مخالفی ابراز نداشته و بلکه رهنموده‌ای هم داده‌اند، یعنی اعتراف می‌کنند که این ملاقات قبلاً درخواست شده بود و شورای انقلاب و امام خمینی نیز نه تنها از آن اطلاع داشته‌اند، بلکه امام خمینی رهنموده‌ای هم داده‌اند.

ما تاکنون همه نوع «دفاع» دیده بودیم و اما این نوع «دفاع» را ندیده بودیم که، در اثبات یک دعوی، سندی در اثبات رد آن دعوی از طرف خود مدعی ارائه شود! مثال دیگری که در مقاله آمده، عزیمت رمزی کلارک بسوی ایران برای انجام مذاکرات بقصد آزادی «کروگانها» است، که به «تصویب شورای انقلاب» رسیده بود (شورائی که ۱۰ نفر بقیه در صفحه ۷

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان موافقت، بدون اطلاع امام خمینی

بگذریم و برویم بر سر دیگر مطالبی که لیرالها برای تیره خود عنوان کرده‌اند. در مقاله مورد بحث، ممرانه بر این معنی تکیه شده است که، قبل از مذاکره با برژنفسکی موضوع قطع رابطه سیاسی با آمریکا مطرح نبوده است و نتیجه گرفته می‌شود که، بنابراین مذاکره با برژنفسکی بلامانع بوده است!

در واقع مطلب جالب است. انکار مسئله مذاکرات محرمانه با برژنفسکی، مربوط به مسئله رابطه یا قطع رابطه سیاسی با آمریکا بوده است. مذاکره محرمانه با برژنفسکی، شیوه انجام و محتوای آن و هدف آن، چه ربطی به مسئله رابطه یا قطع رابطه‌ای دارد، که اساساً مدتی پس از این مذاکره، پس از تصرف لانه جاسوسی آمریکا مطرح و اجرا شد.

جالب‌تر اینکه، در مقاله به صراحت اعتراف شده است که «این ملاقات بدون اطلاع و اذن امام بوده است».

و سپس برای تیره و توجیه این «پنهانکاری»

را نیز روشن خواهد کرد. بین دولت افغانستان و دولت شوروی قراردادی وجود دارد، و هر دو کشور اعلام کرده‌اند که بر اساس این قرارداد و بنابه درخواست دولت افغانستان، نیروی مسلح شوروی برای رفع خطر تهاجم نظامی خارجی به افغانستان، وارد این کشور شده است.

برخی‌ها این واقعت را با دیده تردید می‌نگرند و شوروی را اشغالگری میدانند که نظیر آمریکا کشور را ببقهر مورد تجاوز قرار داده است. بسیار خوب! اگر مذاکرات نمربخشی انجام گیرد که استقلال، تمامیت ارضی و امنیت افغانستان را تامین و تضمین کند، معلوم خواهد شد که آیا شوروی نیروهای خود را از افغانستان خارج خواهد کرد یا نه. اگر خارج کرد، آنگاه معلوم خواهد شد که شوروی اشغالگر نیست، بلکه بعنوان کشوری حامی مبارزه آزادیبخش ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خلق افغانستان وارد این کشور شده و تردیدها در مورد هدف سیاست شوروی نسبت به افغانستان از بین خواهد رفت. این بنظر میرسد (از لحاظ کشورها) مهم‌ترین نتیجه مذاکرات نمربخش با افغانستان خواهد بود، که طرفدار انجام آن هستیم. بدلالی که بر شمردیم، ما با مذاکره بین

مذاکره...

بقیه از صفحه ۳ در واقع ما خود بصورت عاملی در خواهیم آمد که باعث بقاء نیروهای شوروی در افغانستان است، یعنی در قلب مقابل خواست خود عمل کرده‌ایم، مفهوم شد؟! از طرف دیگر، واقعت اینستکه، جمهوری دمکراتیک افغانستان، مانند جمهوری اسلامی ایران، در برابر خصومت امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا قرار گرفته است؛ هر دو کشور خواستار استقلال واقعی خود هستند؛ هر دو کشور در صدد نوسازی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان هستند؛ هر دو کشور در جنبه ضد امپریالیستی قرار گرفته‌اند. بنابراین، هر دو کشور طبعاً دوست یکدیگرند و باید دوست یکدیگر باشند. با مذاکره میتوان اختلافاتی را که احیاناً بین دو کشور موجود است، از طریق مسالمت‌آمیز و با حسن نیت حل کرد و بجای خصومت و ناسازگاری، دوستی و سازگاری بین دو کشور برقرار نمود. این بداست؟! و نیز مذاکراتی که منجر به قطع مداخلات مسلحانه خارجی در افغانستان گردد، مسئله دیگری

در دورانی که از کنگره بیست و نهم حزب کمونیست اتحاد شوروی میگذرد، خلق شوروی، زیر رهبری آزموده حزب لنین خود، به دستاوردهای شگرفی در زمینه ایجاد پایه مادی - فنی کمونیسم و افزایش بهره‌وری مردم شوروی نایل شده است.

بازتاب بسیاری از این دستاوردها را در سند «راستاهای عمده روند اقتصادی - اجتماعی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۹ و تا سال ۱۹۹۰» می‌یابیم، که بعنوان یکی از اسناد اساسی، مورد بررسی کنگره بیست و ششم قرار خواهد گرفت.

**به مناسبت
برگزاری کنگره
بیست و ششم
حزب
کمونیست
اتحاد شوروی**

دستاوردهای بزرگ اتحاد شوروی

(در دوران بین کنگره ۲۶ و ۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی)

سرمایه‌گذاری را در اقتصاد ملی تشکیل میدهد. در این مدت ۱۸۸ میلیون تراکتور، ۱۳ میلیون کامیون، ۵۴۰ هزار کمباین و ۴۰۰ میلیون تن کود کانی به کشاورزی واگذار شد. ضریب تجویز انرژی در کشاورزی (نسبت مجموع مصرف انرژی به شماره کارگران کشاورزی) ۴۰ درصد بالا رفت. میانگین برداشت سالیانه غلات نخستین بار به ۲۰۰ میلیون تن رسید.

★ در اقتصاد ملی ۶۳۵ میلیارد روبل سرمایه‌گذاری شد. صندوق پایه (اصطلاح سوسیالیستی معادل سرمایه ثابت) در شیوه تولید سرمایه‌داری ۴۰ درصد افزایش یافت.

★ بارآوری کار اجتماعی ۱۷ درصد بالا رفت. اقتصاد شوروی ۷۵ درصد افزایش تولید صنعتی، ۱۰۰ درصد تولید کشاورزی و ۹۰ درصد تولید رشته ساختمان و مونتاز را مدیون افزایش بارآوری کار اجتماعی بوده است.

★ گامهای بزرگی در راه بالابردن سطح زندگی برداشته شد. در مقایسه با برنامه پنج ساله نهم، ۳۲۹ میلیارد روبل بیشتر از منبع درآمد ملی برای پیشبرد این هدف بکار رفت.

★ درآمد واقعی سرانه ۱۷ درصد بالا رفت. میانگین دستمزدهای کارگران و کارمندان بیش از ۱۵ درصد و درآمد دهقانان تعاونی ۲۶ درصد افزایش

یافت.

★ صندوق مصرف اجتماعی، که آموزش، بهداشتی، بازتوسنگی و دیگر مزایای اجتماعی رایگان از منبع آن تامین میشود به ۵۲۷ میلیارد روبل رسید. پرداختها و کمک‌هزینه‌های سرانه از بابت صندوق مصرف اجتماعی از ۳۵۴ روبل در سال ۱۹۷۵ به ۴۳۸ روبل در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت.

★ در خانه‌سازی ۸۷۲۲ میلیارد روبل سرمایه‌گذاری شد و ۵۳۰ میلیون متر مربع زمین را دربر گرفت. شرایط زندگی ۵۰ میلیون شهروند شوروی بهبود پذیرفت. در حدود ۸۰ درصد سکنه شهرها اینک در خانه‌های جداگانه زندگی میکنند.

★ حجم جزئی‌فروشی ۲۴ درصد و خدمات روزمره ۴۳ درصد گسترش یافت.

★ آموزش متوسطه همگانی تحقق پذیرفت. دوازده میلیون و نیم نوجوان به حرفه‌آموزی مشغول بودند. در مدارس عالی و متوسطه تخصصی ۱۰ میلیون متخصص آموزش یافتند.

★ در زمینه بهداشتی و پزشکی، شماره پزشکان از ۸۳۴ هزار در سال ۱۹۷۵ به ۱ میلیون در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. در همین مدت، شماره تختخوابهای بیمارستان به نسبت هر هزار شهروند از ۱۱۸ به ۱۲۵ رسید.

بر پایه این سند، در سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۰ در اتحاد شوروی:

★ در مقایسه با برنامه پنج‌ساله نهم، درآمد ملی ۴۰۰ میلیارد روبل افزایش یافت. چهارمجم درآمد ملی به مصارف مستقیم اهالی، خانه‌سازی و ایجاد تسهیلات اجتماعی و فرهنگی تخصیص داده شد.

★ تولید صنعتی به میزان ۲۱۷ هزار میلیون روبل فزونی گرفت. بیش از ۱۲۰۰ پنگاه بزرگ صنعتی احداث شد.

★ تولید کشاورزی ۵۰ هزار میلیون روبل افزایش یافت. در کشاورزی بیش از ۱۷۰ میلیارد روبل سرمایه‌گذاری شد، که ۲۷ درصد مجموع

تشدید توطئه‌های آمریکا علیه کوبا

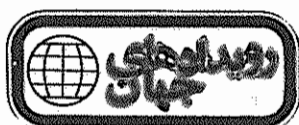
توطئه امپریالیسم آمریکاعلیه کوبای انقلابی شدت گرفته است. روزنامه‌های آمریکایی به نقل از یونایتد پرس خبر دادند که فعالیت‌های سازمانهای تروریستی کوبایی در میامی آمریکا افزایش یافته است. رهبران این سازمانها، از جمله سازمان تروریستی «آلفا - ۶۶»، اکنون آشکارا از طرح‌های جنایتکارانه خود، از جمله تهاجم نظامی به کوبا سخن می‌گویند. منابع آگاه در میامی گفتند که سازمان پلیسی «اف - بی - آی» در فعالیت‌های تازه این سازمانهای تروریستی و تامین مالی آنها و آموزش تروریستها نقش اساسی دارد.

محاکمه همدستان مزدور السالوادور در دادگاه خلق‌های آمریکای لاتین

دادگاه خلق‌های آمریکای لاتین، به محاکمه همدستان مزدور السالوادور پایان داد. دادگاه، که در مکزیکو برگزار شده بود، اعلام کرد که رژیم حاکم السالوادور به تسرور سیاسی «مشروعیت» بخشیده و افراد و گروه‌هایی را که با سیاست آن مخالفند، نابود میکند. دادگاه تاکید کرد که رژیم السالوادور به قتل عام مردم دست‌زده و از سیاست کشتار جمعی پیروی میکند و زندانیان سیاسی را تحت شکنجه قرار میدهد. دادگاه از خلق‌های آمریکای لاتین، بویژه کشورهای همسایه السالوادور، خواست تا حمایت قاطع خود را از مبارزه مردم السالوادور علیه داروخته نظامی کشور و امپریالیسم آمریکا اعلام کنند.

تولید سلاح نوترونی با قرارداد عدم گسترش سلاح هسته‌ای مقایرت دارد.

ژرمان شپیره، نماینده بوندستاگ (پارلمان جمهوری فدرال آلمان) اظهار داشت که تسلیح سلاح نوترونی با مفاد قرارداد‌های بین-المللی درباره عدم گسترش سلاح هسته‌ای و منع آزمایش‌های این سلاح مغایرت دارد.



کشایش بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

امروز بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو گشایش می‌یابد. در فاصله میان کنگره ۲۵ در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۴) تا کنگره ۲۶، یک میلیون و هفتصد هزار نفر به شمار اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی افزوده شده است. سه پنجم اعضای جدید حزب را کارگران تشکیل میدهند.

در کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیئت‌های نمایندگی از ۱۰۰ حزب کمونیست و کارگری و جنبشهای جهانی از سراسر جهان بعنوان میهمان شرکت دارند. اظهار نظر میهمانان شرکت‌کننده در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

سیلوا، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سری‌لانکا، که در راس هیئت نمایندگی این حزب در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت دارد، در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

«سیاست خارجی دولت شوروی به استحکام میانی صلح کمک میکند. افزایش توان اقتصادی اتحاد شوروی، برای کمک‌های اقتصادی وسیعتر به کشورهای در حال توسعه، امکانات بیشتری بوجود می‌آورد. قدرت اقتصادی اتحاد شوروی موجب استحکام و پایداری صلح جهانی است.»

پاتریک اکلی، صدر حزب سوسیالیست استرالیا، اظهار داشت: «بیشترتهای اقتصادی در اتحاد شوروی و طرح برنامه جدید ترقیات اقتصادی این کشور، که در این کنگره بررسی خواهد شد، درستی این نظریه لنین را تایید میکند که: سوسیالیسم برتری خود را نسبت به نظام سرمایه‌داری، مقدم بر هر چیز در زمینه اقتصادی به اثبات میرساند.»

فلورا گیس، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان طی مصاحبه‌ای در مرکز مطبوعاتی بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، طرح آمریکایی استقرار سلاح نوترونی در خاک یونان را محکوم کرد. وی گفت: «استقرار سلاح نوترونی در خاک اروپا موجب نگرانی همه خلق‌های اروپاست.»

بیرک گارمل، دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان، که در راس هیئت نمایندگی حزب و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت میکند، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در مسکو، در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره دورنمای عادی کردن مناسبات افغانستان با کشورهای پاکستان و ایران، تاکید کرد که دولت افغانستان در هر لحظه آماده است با مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان برای عادی کردن این روابط به مذاکره بنشیند.

درگیری و تشنج در قزوین در دومین سالگرد انقلاب

عده‌ای ناشناس عصر روز ۲۱ بهمن ماه سال جاری، به منظور ایجاد درگیری، به نمایشگاه‌هایی که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب در نقاط مختلف شهر قزوین برپا شده بود، حمله کردند. آنها ابتدا به نمایشگاهی که توسط کانون دانش‌آموزان ایران برپا شده بود، حمله کردند، ولی هتیار می‌شولین این نمایشگاه، مانع از ایجاد درگیری شد. این عده سپس به نمایشگاه «مجاهدین خلق» حمله کردند، که متأسفانه بدنبال واکنش نادرست «مجاهدین»، درگیری بوجود آمد و منجر به درهم‌ریختن نمایشگاه «مجاهدین» گردید. در حین درگیری یک تیر نیز شلیک شد که طرفین، شلیک آن را به یکدیگر نسبت دادند. سپس درگیری به خیابان خیام، که در آنجا «مجاهدین خلق» نمایشگاه و بساط دیگری داشتند، کشیده شد. در این خیابان هواداران حزب توده ایران و هواداران فدائیان خلق (اکثریت) نیز نمایشگاه داشتند و آذین‌بندی کرده بودند، که بسا هتیار می‌شولین نمایشگاه، از درگیری متقابله کنند.

در روز ۲۲ بهمن نیز، پس از پایان سخنرانی سید محمد ابوترابی مردم را دعوت کرد که علیه «گروه‌های که دیروز شلوغ کرده‌اند»، تا دیروز دانشگاه (واقع در خیابان خیام) راهپیمایی کنند. این راهپیمایی در سبزه میدان، به تحریک عده‌ای، به درگیری با هواداران «مجاهدین خلق» که مجدداً نمایشگاه برپا کرده بودند، منجر شد. سپس جمعیت تظاهرکننده بطرف دانشگاه رفتند. در این حال یک گروه بیست و پنج نفری، که از هواداران گروه‌های مائوئیستی تشکیل شده بود، شعارهای تحریک‌آمیزی علیه انقلاب می‌دادند. سید محمد ابوترابی از مردم خواست که با این افراد درگیر نشوند.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به این مساله، از آنها می‌خواهیم که بطور جدی با اعمال تحریک‌آمیز کسانی که به ایجاد تشنج و درگیری می‌پردازند مقابله کنند.

«لوح افتخار» را کامل کنیم

به مناسبت ۱۴ بهمن، «روز شهیدان حزب و جنبش»، متذکر شده بودیم که «لوح افتخار» کامل نیست و از همه مردم قهرمان ایران، از همه انقلابیون ایران، از همه رفقا و هواداران حزب توده ایران، تقاضا کرده بودیم که نام و عکس شهیدانی را که در «لوح افتخار» نیامده است، برای ما بفرستند.

این نام‌های تازه بر «لوح افتخار» افزوده شد است: رفیق محمدعلی گارگر را در ۲۶ فروردین ۱۳۳۰، در خیابان رژیم شاه میان دو واکن قطار گذاشتند و به شهادت رساندند.

رفیق میرکافلم اعلمی، فرماندار شهرستان مرند، در سال ۱۳۲۵ به شهادت رسید. از چگونگی شهادت این رفیق اطلاعی در دست نیست. رفقای که اطلاع دارند، ما را با خبر سازند.

رفیق شوذب حاجی رئیس مقدم، در ۲۸ بهمن ۱۳۳۸، در زیر شکنجه، در زندان قصر به شهادت رسید.

رفیق خورن قاراخانیان در سال ۱۳۳۴ به شهادت رسید. از چگونگی شهادت این رفیق خبری در دست نیست. رفقای که اطلاع دارند، ما را با خبر کنند.

با تشکر فراوان از رفقای که نام‌های بالا را در اختیار ما گذاشته‌اند، باریکتر تقاضای خود را در این زمینه تکرار می‌کنیم.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

از پول قلک صمد و اولدوز از قروه کردستان ۳۰۰۰ ریال
ناهد، ت ۵۰۰۰ ریال
کمال، ن ۲۰۰۰ ریال
هواداران حزب در حسین آباد ۱۰۰۰۰ ریال
امین، دانش آموز خردسال (بسا) فروش دفترچه) ۲۵۰ ریال
نمکی، از شیراز ۲۰۰۰۰ ریال
ح از چالوس ۱۰۰۰۰ ریال

نامه مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM
No. 451
23 February 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران